

از اصول مرام و هدف ما:

اصل دوم: ۱ - ترویج اصول اخلاقی و اجتماعی و سیاسی بر اساس موازین دین مبین اسلام با توجه به مقتضیات سیاسی و فرهنگی عصر حاضر. ۲ - تشویق اصل (درستی و تقوی) و مبارزه شدید بر علیه منهیات و اعتیادات و انتشارات مضره. ۳ - از بین بردن عوامل نادرستی و فساد خصوصا مظاهر اتکای به خارجی و طرد جمیع عناصری که سد راه فعالیت‌های موثر و اصیل و سریع اصلاحی هستند یا موجبات تضعیف شخصیت فردی و اجتماعی ایرانی را فراهم می‌سازند. ۴ - مبارزه بر علیه دشمنان جسمی و فکری و روحی مردم یعنی غلبه بر «ترس» و «یاس» و «فقر» و «جهل» و «عقب‌ماندگی» و «نفاق».

بیاد ۲۹ خرداد ۱۳۳۰:

روز تاریخی خلع ید

ملی شدن نفت ایران به رهبری دکتر محمد مصدق مسلما یکی از برجسته‌ترین فصول تاریخ ایران است. هم از آنجهت که مشحون از اقدامات و حوادث متوالی و صفحات فراوان درخشان است هم از اینجهت که هر صفحه آن به تنهایی با یکی از حوادث مهم تاریخ ایران برابری کرده از واقعه‌ای حکایت مینماید که ریشه عمیقی در گذشته ایران در روحیه ملت در ارتباط با سیاستهای قوی خارجی دارد و نیز آئینه عبرتی برای حال و آینده می‌باشد:

- فهرست اجمالی و بالنسبه منظم این وقایع و نتایج آنرا میتوان چنین شمارش کرد:
- * تشکیل جبهه ملی و مبارزه‌های اثر بخش آن تا روی کار آمدن حکومت دکتر مصدق.
- * تصویب قانون ملی شدن نفت در ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹.
- * روی کار آمدن دکتر مصدق و آغاز نهضت ملی ایران.
- * ترکیب و برنامه دولتهای دکتر مصدق موفقیتها و شکستهای آن، جریانات مساعد و مخالف داخلی.
- * اعزام هیأت خلع ید بخوزستان، عملیات خلع ید با همکاریهای عوامل موافق و کارشکنی‌های عناصر و مقامات مخالف.

* قبضه کردن و اداره و نگاهداری و بهره‌برداری دستگاه عظیم نفت ملی شده.

* تحولات اقتصادی و فکری و سیاسی و اجتماعی ایران و مردم.

* محاکمات بین‌المللی در لاهه و شورای امنیت.

* مذاکرات گوناگون با هیأت‌های خارجی مامور حل مسئله نفت و دسائس ممتد انگلیسی‌ها.

* مذاکرات و اقدامات مربوط به صدور نفت.

* قضاوت‌های خارجی و انعکاس عملیات ایران در دنیا و اثرات آن در خاورمیانه.

* انتخابات دوره هفدهم.

* رفراندوم و انحلال مجلس.

* نقش دربار و کودتای ۲۵ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.

* محاکمه دکتر مصدق.

* رفتار دکتر مصدق و همکاران او در واقعه ۲۸ مرداد و بعد از آن.

* تبلیغات و عملیات دولتهای بعد از کودتا و اعمال خلاف قانون غیر انسانی آنها.

* تاسیس کنسرسیوم، وضع جدید نفت و سیاست هیأت حاکمه ایران.

* احساسات و عکس‌العملهای مردم همچنین فعالیت زیرزمینی نهضت مقاومت ملی. برای مملکت و افراد نهضت آزادی ایران بسیار مغتنم و ارزنده خواهد بود که مرد میدانی پیدا شود و تا عوامل و سوابق و خاطرات نهضت ملی ایران فراموش نشده است با فعالیت و اطلاع و انصاف و تحقیق خالی از حب و بغض (و بدون آنکه فقط توجه به نکاتی داشته باشد که در اطراف شخص او رخ داده یا نقشی در آن داشته است) تمام مطالب را جمع آوری نموده حوادث را آن طور که واقعا جریان داشته روی کاغذ بیاورد. جهات خدمت و خطا را بدرستی روشن کند، نقش‌های مختلف اشخاص مسوول مخصوصا اجتماع مردم را موشکافی کند، موجبات و ریشه‌ها را استخراج و آثار و عواقب را استنباط نماید. خلاصه آیینهای بسازد که یکطرف آن نماینده ایران گذشته و طرف دیگرش نماینده طرح یک ایران آباد و آزاد آینده باشد.

* * *

این حوادث بصورت ظاهر پراکنده البته ممتد و پیوسته و موثر در یکدیگر بود ولی مانند یک جاده کوهستانی، پیچ و خم‌ها و گردنه‌ها و دره‌هایی داشت که برجستگی خاص و حالات مشخص پیدا کند، بطوریکه هر کدام بتواند توقفگاهی برای تذکر و تنبیه و تماشا باشد.

از جمله این توقفگاهها که قطار گردش زمان در این هفته ما را از برابر آن عبور داد (خلع ید) است.

برای خلع ید میتوان سه مرحله یا سه موقع قاطع تشخیص داد:

۱- روز اعزام هیأت خلع ید بخوزستان و استقبال عظیم و عجیب مردم آبادان.

۲- روز برافراشتن پرچم ایران و نصب تابلوی شرکت ملی نفت ایران بر سردر اداره مرکزی خرمشهر.

۳- روز حرکت آخرین دستجات انگلیسی با کشتی جنگی و پایان کامل خلع ید.

۲۹ خرداد همان روز برافراشتن پرچم ایران نصب تابلوی شرکت ملی نفت ایران برفراز «جنرال انگیس»

خرمشهر است که بحق عنوان (روز خلع ید) پیدا کرده است.

خدا میداند این عمل بسیار ساده و کوچک و کوتاه با چه هیجان و انقلابات درونی مردمی که حضور داشتند انجام شد! چه اضطراب و تکانی در دل کارمندان انگلیسی و در ارکان شرکت نفت ایران و انگلیس بوجود آورد و چه آثار عظیمی در ایران و نزد ایرانیان از خود باقی گذاشت.

از روز حرکت بخوزستان تا پایان خلع ید (و شاید بعد از آن) یادداشتهایی بطور مرتب نوشته به دفتر هیأت مدیره موقت برای بایگانی داده بودم که دیگر بدستم نرسید بنابراین آنچه مینویسم فقط به کمک حافظه فراموشکاری میباشد که امیدوارم خیلی خطا نکند.

صبح آن روز پس از دو ساعت بحث و گفتگو که در جلسه هفت نفری هیأت خلع ید (سه نفر از هیأت نظارت بر اجرای قانون ملی شدن نفت، سه نفر اعضای هیأت مدیره موقت و یک نفر استاندار خوزستان وزیر کشور وقت) در اطاق فرمانداری خرمشهر که مشرف به ملتقای کارون و شط العرب بود انجام گرفت. ابتکار و حرارت و جسارت سه نفر بر مخالفت ظاهرا مستدل و احتیاط آمیز یکنفر (که خود را از معرکه کنار کشید) و تردید و ترس و یاس سه نفر دیگر غالب آمد: تصمیمی گرفته شد از پله‌های فرمانداری پایین آمدیم. بلافاصله دسته‌ای به تعداد

بیست تا سی نفر از مردم و عابرین معمولی که همیشه مراقب و منتظر کارهای هیأت بودند تشکیل گردید. یک سینی حامل کلام الله مجید و پشت سر آن پرچم (رنگ نپریده) ایران در پیشاپیش صف باتانی و وقار جلو میرفت. قبلا از نیروی دریایی محل نیز یک دسته کوچک موزیک نظامی خواسته شده بود. باین ترتیب ما بجانب جنرال افیس که در فاصله کمتر از یک کیلومتر قرار داشت براه افتادیم.

کسی نمیدانست بکجا و برای چه کاری میرویم. معذک در طول راه هر دم بر جمعیت و بر طول ستون اضافه میشد.

ساعتی از روز بود که هم نسیم خنک صبح هنگام عبور از زیر درختهای خیابان کنار کارون احساس میشد و هم گرمای آفتاب بتدریج شدت خود را ظاهر میکرد. همینطور در دلها گاهی خوشحالی و امید جای خود را به وحشت و ناامیدی میسپرد. مثل اینکه گاهگاه شعارهایی داده میشد و صدای امید بخش الله اکبر و صلوات بلند میشد مقابل جنرال افیس رسیدیم. کارمندان انگلیسی و ایرانی سر از پنجرهها بیرون آورده با کنجکاوئی نگاه میکردند. نگهبان دم در نمیدانست که این جمعیت میخواهد داخل شود یا پیغامی بفرستد بزودی وسائل کار (یعنی چکش یا سنگ و چند عدد میخ) آماده شد و دو نفر بالای دیوار پریدند چوب بیرق را محکم بر سردر حیاط کوبیده پرچم را برافراشتند و دو سه نفر دیگر تابلوی برنزی با چار چوب مشگی و خط نستعلیق بسیار زیبایی را که از اهواز آورده بودیم به کنار در نصب کردند. در همین لحظات و شاید به راهنمایی پیشخدمتها یک پرچم سه رنگ دیگر نیز روی بام بالای عمارت باهتزاز درآمد، کار انجام شد. به آسانی هم انجام شد. در حالیکه قلبهای سرشار از سرور و شغف می طپید و از چشم حاضرین اشک شوق و شادمانی سرازیر بود. کارمندان ایرانی شرکت نفت هر قدر مقام پایینتر داشتند خوشحالتتر بودند، و کارمندان انگلیس شرکت هر قدر والامقامتر مضطربتر.

یادم نیست آیا صحبت و سخنرانی هم شد یا نه در هر حال اگر شد خیلی مختصر بود همین عمل ساده و تشریفاتی یا سمبلیک خلع ید جاده را برای اقدامات بعدی کوبیده و صاف نمود.

البته در خوزستان خلع ید روز خاص و جای خاصی نداشت آنچه ذکر شد جریان مقدماتی در خرمشهر بود ولی آنروز که هیأت برای اولین بار بعنوان نمایندگان دولت ملی و عاملین آزادی ایران و نفت ایران وارد آن محل میشد استقبالها و هیجانها و شور و سرورهایی که با منتهای صمیمیت و قوت و جمعیت ابراز میشد در برابر ایران و در تاریخ ایران هیچ جا و هیچگاه سابقه نداشته است.

یکی دو روز قبل از ورود هیأت خلع ید به خرمشهر ملاقاتی با آقای «دریک» بعمل آمد. پس از تمهید مقدمه و معرفی و انجام مذاکرات (دریک) اظهار داشت «ما شما را فقط بعنوان نمایندگان عالیرتبه دولت ایران میتوانیم بشناسیم نه بعنوان کارفرما و هیأت مدیره» ظاهرا برای احترام و اظهار محبت و باطنا برای متوجه ساختن ما بعظمت دستگاه و محال بودن تصرف و اداره آن دعوتی به بازدید هوایی موسسات و بازدید داخلی پالایشگاه نمود. سپس چند روزی به کمیسیون و مذاکرات گاهی به نصیحت و گاهی به تهدید گذشت. هر کس سر جای خود ماند، اخطارهای قانونی هیأت، ضرب الاجل دادن و اشغال اطاق و میز او و بطور کلی افکار و احوال و اوضاع آقای (دریک) را وادار ساخت که ببهانه کسب دستور از مرکز (یعنی لندن) از ایران برود. . . و دیگر برنگردد. مرحله اول خلع ید که با ملاقات (دریک) و نصب تابلو و پرچم شروع شده بود بعد از دو سه ماهی با تخلیه تمام مناطق و مراکز و خروج آخرین دستجات انگلیسی و بدرقه‌ای که از معاونین دریک و آقای راس تا گمرک سرحدی بصره بعمل آمد خاتمه یافت.

مرحله دوم خلع ید جنبه فنی و اداری داشت و البته آن هم خالی از اشکال و مخصوصاً نگرانی فراوان نبود. در دست گرفتن و اداره کردن دستگاهها بکار انداختن آنها و تامین آب و برق و یخ - اداره حمل و نقل تامین خواربار در آبادان و کلیه مناطق دیگر. . .

چون هم‌آهنگی و همکاری و همفکری بین دولت و ملت (برای اولین بار در تاریخ ایران) وجود داشت دو مرحله بالا که در صورت فقدان این شرط اساسی محال بوده باور کردنی نبود بسهولت و سرعت (و باید گفت معجزه آسا) انجام گرفت.

*** *** ***

خلع ید موفقیت و افتخاری برای ایران و ایرانی بود. تند گذشت خوب هم گذشت. تب تندى دولت و ملت ما داشتند ولی تب تند عرقش زود در می‌آید.

انگلیسیها به شیوه مخصوص خود عقب میرفتند و جا خالی میکردند. مثل بسیاری اوقات ثابت شد که مشیت خالی میزنند میخواهند با بلوف و تظاهرات ماهرانه حفظ حیثیت و تحمیل قدرت نمایند ولی همین تسلیم سهل و سریع آنها شخص را بیاد عقب نشینی روسها در جنگ با ناپلئون و تخلیه مسکو میانداخت. و ایجاد نگرانی می نمود.

در هر حال خلع ید و بدنبال آن تصرف و اداره و بهره برداری از دستگاه عظیم نفت یکطرف مسیر، و گذشتن از گردنه‌ای بود که بنظر فوق‌العاده دشوار می‌آمد.

ایران بقله پیروزی رسید نفت ایران ملی و انگلیسها مغلوب شدند پس رفتند ولی در آنطرف گردنه در سرازیری سنگر گرفتند. . . طرف دیگر گردنه آن قسمتی است که حرکت با سهولت و بی‌اعتنایی و کندی پیش میرود خصوصاً اگر حریف قدم بقدم جا خالی کند و کار را به مدارا و درازا بکشاند.

بزرگترین امتیاز و قدرت انگلیسیها در این است که بیشتر و بهتر از هر ملتی عنصر «زمان» را در استخدام و استفاده خود می‌آورند. ملتی هستند که حوصله و مقاومت و تحمل محرومیت و خونسردی دارند. باصطلاح قرآن دارای خصلت صبر هستند انگلیسها در بازی کار عمده‌ای نمیکند. سعی میکنند خطا نکنند ولی آنقدر صبر میکنند و خودداری و خونسردی بخرج میدهند تا بالاخره حریف خسته شود و خطایی کند و بدست خود بازی را ببازد همین نقشه را با ناپلئون و با هیتلر بازی کردند.

در مورد نفت ایران از رو نرفتند. مایوس نشدند. بدولت خود قر نزدند و بی‌تاملی نکردند. با مقتضیات زمان و مکان راه آمدند. باصطلاح از زیر کار کردند. با اطلاعات و تجربیاتی که سالهای سال از (عنصر زمان) کسب کرده و ایادی و عواملی که در داخل ایران در خدمت خود فراهم نموده بودند چرخهای محلی را بکار انداختند. خائنین داخلی ایران که معاونین آنها هستند به انواع تضعیف و تحریکها در مملکت متوسل شدند. عده‌ای به عوض همراهی و همقدمی تا مقصد نهایی بجای قبول و تحمل محرومیت طولانی سطح توقعات و سرصداها و احیانا مخالفتها را بالا آوردند. خودبینی‌ها و احیانا خودکامیها و سوءنیت‌های عده‌ای از همکاران و سران، بزرگترین مصیبت‌ها را ببار آورد. . .

حریف بتدریج و با تبلیغات وسیع افکار عمومی دنیا را علیه ایران برانگیخت از طرفی سیاستهای دیگر را مساعد نموده و بالاخره بدست خائنین داخلی و سیاستهای خارجی از در دیگری در وطن ما وارد شد. . .

آن چیزی که ما باید در انگلیسها بشناسیم و تحسین کنیم و حتی یاد بگیریم استخدام «عنصر زمان» و استفاده از آن است ما ایرانیها فوق‌العاده عجول، کم‌کار، کم‌تحمل و کم‌حوصله هستیم و بنابراین چیزی را که

روی آن حساب نکرده بر اساس آن کار نمیکنیم «زمان» است. بدون مطالعه و تدارک و آمادگی قبلی خواهان موفقیت‌های بی‌زحمت فوری حتی قطعی هستیم از کندی پیشرفت و از کارهای که بعدها نتیجه آن ظاهر شود وحشت داریم!

برای مبارزه ملی عظیمی که در پیش داریم صرف حرکت و هیاهو و صرف تجمع و تظاهر هر قدر با قوت و سرعت باشد کافی نیست. در دنیا هیچ نتیجه اساسی در مدت کوتاه و با یک حمله بدست نیامده است. در طبیعت نیز چیزهایی ماندگار و با اثر و ثمر است که با تدارک و تامل و تحمل تهیه شده ریشه عمیق و زمینه محکم دارد. با هم دوباره راه بیفتیم با توسل و توکل بحق، خویشتن را به سلاح «صبر» به تربیت خود به تشکیل و تقویت واحدها، به انضباط و کار فراوان، به همبستگی محکم ممتد، مجهز کنیم به کار عمقی و اساسی بپردازیم بعوض شاخ و برگ سعی کنیم ریشه‌های زیرزمینی و موجبات درونی خرابی و دشمنی را بی‌سر و صدا یکی بعد از دیگری قطع کنیم. با رویه صحیح و نقشه و برنامه پیش برویم. در سایه «خدمت» و جلب اعتماد مردم هر روز کسب قدرت بیشتری نماییم.

مهدی بازرگان

«پیشوا را بخانه‌اش برگردانیم»

باختر امروز شماره ۶ پس از نقل خبر رفتن آقای مهندس عطایی و همراهان ایشان به احمدآباد چنین مینویسد:

«... اما علیرغم این تشبثات ملت ما دکتر محمد مصدق پیشوای خردمند خود را بر سر دست از احمدآباد بشهر بر خواهد گرداند و حکومت قانونی و ملی را بار دیگر بدست او خواهد سپرد.»

جناب آقای دکتر امینی
تکرار می‌کنیم لطفا بفرمایید:

آنجا که دکتر محمد مصدق اقامت دارد احمدآباد است و خانه دکتر مصدق - یا سلطنت‌آباد است و زندان لشگر دوم زرهی؟

دانشگاه و روز پر افتخار خلع ید

کیست که هیجانانگیز درونی دانشگاه بیدار را تا بحال ندیده باشد. کدام سیاست خامی است که در مقابل دانشگاه بخواهد دوباره برای اسارت ملت فریب و نیرنگ بکار برد. ما آنهایی را که هنوز خیال نقشه‌های شوم برای بردگی ملت ما در سر می‌پرورانند با خود بتماشای یکی دو صحنه دانشگاه میبریم.

دانشگاه خلع ید را جشن میگیرد و در اجتماع پر شکوهی سوگند یاد میکند که این بار جواب حکومت‌های کودتایی را آنچنان دندان‌شکن بدهد که برای ابد دست از ایران بردارند. برای دانشگاه امتحان و درس نمیتواند مانعی باشد. هشت سال شاهد چپاول و خون‌خواریهای هیأت‌های حاکمه بوده و در مقابل خود عزیزترین فرزندان

خود را بدست دژخیمان کودتا در خون غلطان دیده است مسافت راه، زمان و مکان، هیچ یک برای او شرط نیست. او درک کرده است که برای واژگون کردن رژیمهای فاسد و ضد ملی بایستی مبارزه کرد. هر کس خود را دانشجو می‌نامد در لابلای قلبش دو چیز نقش بسته است «یا مرگ یا آزادی» و چنان انزجار و تنفیری عمیق از حیل‌های گوناگون دستگاههای حاکمه در خود احساس میکند که انعکاسش با نعره‌های «زنده باد مصدق» و «مصدق پیروز است» پایه‌های حکومت‌های ضد ملی را می‌لرزاند و فردا در صورت فریب دیگر دستگاه حاکمه چه کودتا و چه هر اقدام بی‌شرمانه دیگری که بخواهد از آزادی او جلوگیری کند همین سینه‌های خود را سپر گلوله‌های آدم کش آنها خواهد کرد تا با خون خود نفرت و ننگ نثار آنها کند.

دانشگاه در پشت سر خود ملت ایران را می‌بیند او درس آزادی میدهد و مردم ایران بدنبال فرزندان خود با دلی داغ‌دیده حکومت‌های ضد بشری را بخاک می‌نشانند. هر کس مفتخر به نام دانشجو شده است خواه در دانشگاه خواه در دانشکده کشاورزی کرج چه در دانشسرا، چه در مشهد، شیراز، اصفهان، تبریز یا در آمریکا و اروپا هر جا که باشد دست بدست هم داده و برای واژگون کردن حکومت کودتایی تلاش می‌کند. کافی است که کمیته جوان و بیدار دانشگاه دستوری صادر کند آنگاه از دانشکده کشاورزی کرج، از دانشسرا و کلیه موسسات دانشگاهی حتی شهرستانها دستجات سربازان دانشگاهی به حرکت در می‌آید.

من که خود دانشجو هستم از فریادهای دیروز برادرانم «تا شیر پیر بار دیگر خلع ید کند» آنچنان خاطره گذشته ایران در نهادم بیدار شده است که دیگر هیچ آرزویی جز اینکه یا هر چه زودتر آن گذشته پر افتخار را بدست آورم و یا اینکه مرا نیز با گلوله‌های ضد انسانی قطعه قطعه کنند. آرزویی ندارم. من دیگر نمی‌توانم بیشتر از این ناظر نقشه‌های شوم استعمار در میهنم باشم.

این من نیستم دانشگاه است، دانشجو است

ما بشما ثابت می‌کنیم که با فرمان کمیته دانشگاه آنچنان با سینه‌های باز به مبارزه پردازیم که یا با جامه‌های گلگون و با روی سپید بدکتر فاطمی‌ها بپیوندیم و یا دست بیگانه را از ایران کوتاه کنیم و انتقام فاطمی‌ها را بازستانیم.

شرح چگونگی اجتماع ۲۹ خرداد دانشگاه زائد است. همه جزئیات آنرا در روزنامه‌ها خوانده‌اید. آنچه قابل ذکر است اجتماع هزاران دانشجویست که تنها یک روح دارند و چون آنرا در اسارت می‌بینند همه با فریادهای خشمگین خود همگامیکه نام دکتر فاطمی را می‌شنوند آماده انتقام میشوند و زمانی که قیافه درخشان رهبر نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق را می‌بینند جان می‌یابند. پیشاپیش خود خواهران پاک و رشید خود را می‌بینند که نگاه‌های آنها مملو از رنج استبداد و تمنای آزادی است. هر کس روز ۲۹ خرداد از خیابانهای اطراف دانشگاه میگذشت بخوبی فریادهای «سلام به پیشوا و پدر و مظهر جاودانه ملت ایران دکتر مصدق. ما خواهان بیطرفی هستیم مرگ بر سنتو مرگ بر سنتو و به پیش برای آزادی» را می‌شنید.

زمانیکه در صفوف متشکل دانشگاه بدور دانشگاه حرکت می‌کردم در آن هنگام که بنزدیکی دانشکده فنی رسیدم از یکطرف عزیزانم قندچی، شریعت رضوی و بزرگ نیا را در جلوی خود قطعه قطعه در خون آغشته دیدم و از طرف دیگر روح آنها شادمان و پیروز در نظرم متداعی شدند. آنگاه جرات کردم که از کنار آنها دور شوم که بخون آنها و شهدای آزادی سوگند یاد کردم که یا بزودی بآنها بپیوندم و یا اینکه به نگاههای منتظر آنها، که خواستار آزادی ایران بود پاسخ گویم.

این من نبودم دانشگاه بود همه آماده، همه استوار و با اراده سوگند یاد کردیم که زنجیرهای استعمار را به رهبری جبهه ملی بگسلیم و ایران آباد و آزاد بسازیم.

*

هر چه آفریدگار را بزرگتر بشمارید آفریدگان را کوچکتر خواهید دید.

«علی علیه السلام»

انتخابات

قسمتی از نظریات نهضت آزادی ایران در موضوع انتخابات وسیله آقای حسن نزیه سخنگوی نهضت در مجله فردوسی شماره بیست و سوم خرداد منتشر گردید که با رعایت اهمیت موضوع رئوس مطالب آن در این جا منعکس میشود.

* چون (حکومت) یک امر تعطیل بردار نیست و نظر باینکه هدف قوانین اساسی و مشروطیت ایران هم حکومت مردم بر مردم بوسیله نمایندگان ملت میباشد لذا حضور مجلس در جمیع شرایط یک امر ضرور و حیاتی بشمار میرود.

* صیانت (به حقوق ملت ایران) - موضوع اصل پنجم تا اصل بیست و پنجم متمم قانون اساسی جز با انعقاد مجلس شورایی ممکن نیست.

* در دوره فترت حاضر این سوال پیش می آید: آیا دولت‌های دوره فترت که مبعوث مردم و مجلس مردم نباشند اصولاً صلاحیت کافی و لازم برای اداره مملکت دارند یا خیر؟ بعلاوه تعطیل انجام وظایف حیاتی مجلس شورایی چه مجوزی دارد؟

* تقریباً هیچ قانونی حتی قوانین اساسی خصوصاً در کشور ما خالی از عیب و نقص نیست ولی همانطور که مثلاً به علت نقص قوانین آیین دادرسی نمیتوان از تشکیل محاکم و رسیدگی به تظلمات عمومی خودداری کرد بعنوان نقص قانون انتخابات هم نمیتوان در انجام انتخابات مسامحه نمود.

* در مورد انتخابات عیب در اجرای قانون است نه خود قانون هر گاه طبق فصل هفتم قانون انتخابات شکایات انتخاباتی جدا مورد رسیدگی قرار میگرفت یا قرار بگیرد و کلیه فرمانداران و عمال دولتی و غیردولتی که تهدید و تطمیع آنان در امر انتخابات اخیر مستدلاً احراز گردیده بصدداً دلیل غیر قابل انکار و تردید قابل تعقیب و مجازات هستند عموماً بدون مسامحه و تبعیض تعقیب و به کیفر مقرر در همین قانون (سه ماه الی یکسال زندان و محرومیت از حق انتخابات در یک الی دو دوره) محکوم شوند میتوان امیدوار شد که انتخابات آینده خیلی کمتر مواجه با مداخلات نامشروع گردد.

* ضامن یک انتخابات بالنسبه صحیح، تعقیب و مجازات فوری کلیه کسانی میباشد که در انتخابات ادوار اخیر مجلس با اعمال خیانت آمیز خود دخالت نموده‌اند.

* از عقیده آقای دکتر مصدق سوء تعبیر شده است دکتر مصدق در همان ایام که برای صلاح قانون انتخابات اقدامات موثر و مهمی معمول داشته‌اند نوشته‌اند: «مقصود من این نیست که هر کس قانونی را مضر تشخیص داد از آن اطاعت نکند مقصودم اینست که هر وطن پرستی سعی کند چنین قانونی از طریق جلب عقاید و افکار مردم اصلاح شود.»

«تا زمانی که موافقت دولت شرط موفقیت در انتخابات و مخالفت او موجب حرمان از وکالت است هیچ کس نباید منتظر شود که در راه اصلاحات اساسی کوچکترین قدمی برداشته شود.»

در مورد قانون انتخابات هم از نظرات آقای دکتر مصدق مثل عقاید و نظرات بسیاد مفید و اصولی ایشان در مسائل دیگری از قبیل مسئله اقتصاد بدون نفت - حقوق ملت ایران - حقوق سلطنت - به عمدا یا اشتباه سوء تعبیر شده است.

* اگر چه ملت ایران هنوز نتوانسته است خطا کاران و قیام کنندگان بر علیه قانون و آزادی مردم را به وسائل قانونی تعقیب و مجازات کند ولی توانسته است آنانرا مالا و عملا به بدترین محکومیت‌ها (یعنی رسوایی و بی‌آبرویی) محکوم نماید. باین ترتیب برای توفیق ملت ایران و جبهه ملی در انتخابات آینده میتوان تا حد زیادی امیدوار بود و شاید فقط باین سبب در انجام انتخابات تعلل میشود.

* نهضت آزادی ایران بدولت آقای دکتر امینی توصیه می‌کند که در برابر اراده و نیت مردم ایران - مردمی که تشنه آزادی و حکومت ملی ناشی از مجلس ملی میباشد ایستادگی را بیشتر از این جایز نشمارند. سخنگوی نهضت آزادی ایران ضمن یک مصاحبه دیگر به مطالبی که در مجله فردوسی منتشر شده است افزود: * اگر مجلس شورایی منعقد نباشد بدون تردید اصل انفصال قوای ثلاثه رعایت نخواهد شد و دولت مسوولیت را متوجه مقام سلطنت خواهد بود.

اصول قوانین اساسی ما خصوصا اصل چهل و چهارم قانون اساسی باین شرح: «شخص پادشاه از مسوولیت مبراست و وزراء در تمام مسائل مسوول مجلسین هستند» اساسا فرض پیدایش (فترت) را بکلی از میان برده است.

* با توجه به اصول ۶۰ و ۶۱ و ۶۴ و ۶۷ و متمم قانون اساسی معلوم میشود که از لحاظ واضعین قانون اساسی، اصل این بوده است که در همه حال مجلسی باشد و اعمال وزراء مسوول را تحت نظر بگیرد. * با توجه به مدلول اصل پنجم قانون اساسی هم معلوم میشود که (فترت) اساسا پیش بینی یا فرض نشده است زیرا بموجب این اصل باید انتخابات مجلس قبل از انقضا هر دوره تجدید شود. ماده ۵۳ قانون انتخابات هم موید این معنی است.

* و اما در وضعی که اجبار او بر اثر عدم رعایت اصول مشروطیت و سهل انگاری در صیانت حقوق ملت ایران طی چند سال اخیر پیش آمده مناسب خواهد بود لااقل دولت هر چه زودتر بطور مشخص و قطعی تاریخ شروع انتخابات مجلس را تعیین و از هم اکنون اعلام نماید.

* دولت طبق اصل استنادی خود یعنی اصل چهل و هشتم اصلاحی نیز (که بدون رعایت حقوق ملت و هدف مشروطیت ایران تنظیم شده از لحاظ مردم ایران معتبر نیست) مرتکب نقص قانون شناخته میشود.

* سابقه همکاری نزدیک با آقای دکتر مصدق در امر اصلاح قانون انتخابات در سال (۱) ۱۳۲۳ و اطلاع بیشتر از معتقدات ایشان اجازه میدهد بگویم که آقای دکتر مصدق بهیچوجه معتقد نبوده‌اند که اگر قانون انتخابات اصلاح نشد مجلس شورای ملی هم نداشته باشیم یا باین بهانه - عواقب و نتایج نامطلوب (فترت) را به مردم تحمیل کنیم.

ای شده از شناس خود عاجز کی شناسی خدای را هرگز؟ از سنایی
قابل توجه مخصوص سپهبد آزموده

چند سوال از شخصی که به حق یا بنا حق آئین ایران نامیده میشود

چون ارزش «فعالیت» و «مبارزه» هر کس در طریق دعوت مردم به (خداپرستی و دینداری و وطنپرستی) به نتیجه فعالیت و مبارزه او سنجیده و شناخته میشود لذا ما از آقای آزموده سوال میکنم که نتیجه اقدامات و جهادش (بر فرض اینکه از بین بردن دشمنان دین و وطن به نحوی که خود او ادعا کرده است بوده و بر فرض اینکه حق و صلاحیت چنین اقدامی را میداشت) منشاء چه آثاری تلقی میگردد؟ و پس از مبارزه‌های ایشان که وعده ادامه آنرا هم داده‌اند:

- آیا مردم بیشتر به مذهب گرویده‌اند؟

- آیا از فساد و تباهی روزافزون هشت سال اخیر جلوگیری شده است؟

- آیا قانون اساسی مصون از تعرض و تغییر مانده است؟

- آیا مردم توانسته‌اند از حقوق ملی خود استفاده نمایند؟

- آیا دوبار انحلال مجلس بیستم (یعنی شکست داخلی و خارجی سیاست هیأت حاکمه بعد از کودتای ۲۸ مرداد و محکومیت قطعی آن) پیش نیامده است؟

- آیا خزانه مملکت بقول آقای دکتر امینی دستخوش تعدی و تفریط نگردیده به افلاس و ورشکستگی نرسیده است؟

- آیا دولتهای هشت سال اخیر به تکدی و گدایی از کشورهای خارجی ملزم نشده‌اند؟ از همه مهمتر - آیا پایه‌های رژیم حاضر مملکت مصون از تزلزل و بی ثباتی گردیده؟ آیا منشاء اصلی پیدایش افکار افراطی (یعنی فقر و بدبختی و ظلم و تعدی) از بین رفته است؟ و آیا کشتن فجیع شهید راه استقلال و بزرگی و سرافرازی ایران - شادروان دکتر حسین فاطمی (که بر خلاف کلیه موازین بشری و اخلاقی و مذهبی به سبب بیماری شدید و فقدان قدرت حرکت روی برانکار تا میدان تیر لشکر زرهی منتقل گردید) ملت ما را برای ابد داغدار نکرده است؟

و آیا... و آیا... و آیا... ما در انتظار جواب آقای آزموده هستیم و امیدواریم فتوت و مروتی به خرج داده لاقلاً در آن باغ سبز و بهشتی را که گویا به دینداری و حق‌پرستی و جهاد ایشان در طریق حق و عدالت (!) بنام ایران نو(!) بوجود آمده است و ملت ایران از آن بی‌خبر است معرفی فرمایند.

*

من گناهی ندارم جز اینکه نمیتوانم با فساد و دروغ و دورنگی سرکنم، نمیتوانم در تاریکی ظلم و استبداد زندگی کنم، نمیتوانم ساکت بنشینم و ناظر تجاوز به حقوق مسلمانان باشم آری باید چون آسمان بلند پایه و پرتو افکن بود. باید چون دریا خروشان بود، باید چون چشمه زلال پاک و گوارا بود باید شجاع بود مرد بود، رشید و توانا بود. و با دنائت مبارزه کرد و سربلند زیست. یک روز زندگی آزاد و شرافتمندانه بهتر از هزار سال حیات با مذلت و خواری است. خدا به مجاهدین افتخار و عظمت و به تبهکاران و ستمگران ننگ و بدبختی میدهد.

حسین علیه السلام

تبریک ورود

آقای شمس الدین امیر علایی وزیر دادگستری و وزیر کشور - وزیر مشاور و همکار جناب آقای دکتر محمد مصدق ساعت چهار و نیم بعد از ظهر یکشنبه بیست و هفتم خرداد وارد تهران شدند. آقای امیر علایی بلافاصله پس از اینکه از هواپیما فرود آمدند چنین گفتند:

از ابراز محبتی که با تشریف فرمایی خود کردید متشکرم و بعلت خستگی مفرط از بیان مطالبی در این موقع معذورم فقط خوشوقتم روزی بتهران وارد شده‌ام که فردای آن، روز گرامی و افتخارآمیز ۲۹ خرداد، روز خلع ید از شرکت غاصب سابق نفت انگلیس یعنی روزیکه نهضت ملی ایران به رهبری دکتر مصدق به پیروزی رسید از اینجهت با صدای بلند همینقدر میگویم: «مصدق پیروز است».

امیر علایی با دادن این شعار غریو خلقی را که به پیشواز آمده بودند بلند کرده و موج فریاد «زنده باد مصدق» «مصدق پیروز است» از فرودگاه تا تهران و خیابانهای شهر همه جا را فرا گرفت. و باین ترتیب مژده ورود امیر علایی بتهران با تکرار شعار جاویدان مصدق پیروز است تجلی بیشتری پیدا کرد.

هدیه نهضت آزادی ایران به آقای امیر علایی

ساعت ۱۰ صبح ۴۰/۳/۳۰ عده‌ای از رهبران نهضت آزادی ایران به دیدن آقای دکتر امیر علایی رفته بودند آقای ماشالله فولادی بنماینده‌گی از طرف کمیته تشکیلات «نهضت» بشقاب مرمرینی را که در میان آن یکی از قیافه‌های درخشان دکتر مصدق در دادگاه بطور برجسته حک شده بود تسلیم ایشان نمودند و باین ترتیب به کلکسیون جالب آقای امیر علایی بنام (کلکسیون مصدق) اثر قابل توجه دیگر افزوده شد.

پیام دانشجو

پیام دانشجو نشریه کمیته دانشجویان دانشگاه تهران وابسته به جبهه ملی بمناسبت فرارسیدن بیست و نهم خرداد - و روز خلع ید - تقدیر مییاشد. ما توفیق هر چه بیشتر دوستان فداکار و ارجمند خود را خواستاریم. نظام محکوم به فنا:

این نشریه تحت عنوان بالا - در سر مقاله خود می‌نویسد:

«پس از هفت سال پرده‌ها دریده شد - صحنه آرای‌های مسخره پایان یافت هیأت حاکمه فاسد ایران از سناخوانی‌ها و مداحی‌های احمقانه خود درباره (ایران خوشبخت) و (ترقیات شگفت) دست برداشت و عاجزانه دم فروبست. .

«.

چند نفر از اعضاء جبهه ملی و نهضت آزادی ایران

در خانه آیت الله سید رضا فیروزآبادی

ساعت ۶ بعدازظهر روز دوشنبه بیست و نهم خرداد ماه ۱۳۴۰ چند نفر از اعضاء شورای مرکزی جبهه ملی - و چند نفر از اعضاء هیأت موسس نهضت آزادی ایران و عده‌ای از بازرگانان ملی و مورد اعتماد مردم طبق دعوت حضرت آیت الله فیروزآبادی در منزل ایشان حضور پیدا کردند.

آیت الله فیروزآبادی پس از معارفه با آقایان حضار اظهار داشتند:

غرض اصلی از دعوت امروز این بود که از همت آقایان در مبارزه‌های اخیر به سهم خود تشکر نمایم و تقاضا کنم برای توفیق بیشتر وحدت کلمه و اتفاق خود را محکم‌تر سازید تا بتوانیم در برابر هر دولت خارجی و هر نفوذ سیاسی و مرام خارجی قدرت بیشتری برای مقاومت داشته باشیم.

ظرف هشت سال گذشته دولت‌های وقت راسا با اشتباهات یا عدم توجه و علاقه به سرنوشت مملکت عامل بسط و اشاعه افکاری شده‌اند که مذهب و ملیت ما را تهدید می‌کند اصل خداپرستی و حفظ نوامیس ملی و اجتماعی ما - متأسفانه در این چند سال خیلی لطمه خورده است. . .

شما ملاحظه کنید - در این شهر شاید قریب شصت سینما دائر شده و حال آنکه کمترین توجهی به اصلاح اخلاق و فرهنگ عمومی نشده است. ولی باین عنوان مبالغ هنگفتی با اسراف و تبذیر از بین رفته است.

شرم آور است بگویم که در این چند سال مرتبا [رقاص] از اروپا وارد کرده و پول ملت فقیر ما را نثار قدم آنها کرده‌اند. ولی اساسا فکر نکرده‌اند بیمارستانهای بیشتری بسازند یا لاقل چوب لای چرخ بیمارستانهای دیگر مانند بیمارستان فیروزآبادی نگذارند. . .

دولت اگر نمیتواند حقوق (معلم) یا (قاضی) خود را بیشتر کند برای اینست که نمیتواند منبع درآمد مملکت یعنی (دهقان) و (رعیت) را تقویت نماید. . .

دولت باید اصلاحات را از خود شروع کند. حتی شخص اول مملکت باید خود را از هر جهت منزه و مبری نگهدارند تا مصون از حمله و اهانت باشند. من بارها گفته‌ام که یکاش اعلیحضرت با دکتر مصدق همکاری میکردند و اجازه نمیدادند که عوامل داخلی و خارجی آن مرد فداکار و با حسن نیت را در طریق مبارزه با استعمار انگلیس تضعیف نمایند. حالا هم باید مقام سلطنت و دولت و وزیر دربار اگر به پایداری و ثبات رژیم حاضر علاقه دارند در رفتار و کردار خود تجدید نظر نمایند.

بیش از این مطلبی ندارم امیدوارم که جبهه ملی و نهضت آزادی ایران برای رفع توهم دودستگی هر چه زودتر اقدام کنند تا انشاءالله فساد و بیدینی و مفتخوری که باعث پیدایش افکار افراطی گمراهی و تباهی میشود ریشه کن گردد.

در این موقع آقایان حاج خلیل عطایی - مسگرزاده - شبستریزاده - آقای سید صادق فیروزآبادی - داروییان - بیاناتی در لزوم اقدام فوری برای از بین بردن شایعه شکاف و انشعاب در جبهه ملی ایراد کردند و گفتند مسلما شورای مرکزی جبهه ملی ایران به اهمیت این مسئله مانند اولیاء نهضت آزادی ایران توجه کافی داشته و دارند بازار تهران بسیار خوشوقت است که (نهضت آزادی ایران) طی مصاحبه‌ها و نشریات خود شایعه شکاف و انشعاب را به وجه احسن تکذیب نموده در تمام اجتماعات و سخنرانیهای خود از شورای مرکزی جبهه ملی هم دعوت بعمل آورده باین ترتیب قدمهای موثری در تحکیم وحدت و یگانگی برداشته است.

سپس آقایان دکتر سبحانی و نزیه به جهات تاسیس نهضت آزادی ایران اشاره نموده گفتند باز هم تکرار می‌کنیم که بنظر ما هیچ‌گونه اختلافی وجود نداشته و ندارد کما اینکه بلافاصله پس از اعلام تشکیل (نهضت) عضویت مجدد خود را در جبهه ملی تقاضا داریم.

آقایان امیر تیمور و اقبال (اعضاء شورای مرکزی جبهه ملی ایران) اظهار داشتند: ما هم احساس هیچ‌گونه اختلافی نمی‌کنیم و باید آقایان تجار محترم سعی کنند این توهم بيمورد از بین برود. در این موقع یکی از آقایان تجار اظهار داشت بنظر من مناسب خواهد بود. طی اعلامیه مشترکی (از طرف جبهه ملی و نهضت آزادی ایران) بطور قاطعی هرگونه سوء تفاهمی از میان برخیزد جلسه در محیط گرم و مسرت بخشی ساعت ۹ شب خاتمه پذیرفت.

بریده دو قسمت از یک شماره کیهان

منظور از بیطرفی ما نپیوستن به دسته‌بندیها و اتحادیه‌های نظامی است
ما تصور می‌کنیم این سیاست استوار و صحیحی است که تمام کشورهای دیگر هم میتوانند از آن پیروی کنند. همچنین ما عقیده داریم که این سیاست برای حفظ صلح جهانی مناسب‌ترین روش است. وقتی این واقعیت اساسی را بپذیریم که امروز نباید یک جنگ بزرگ روی دهد و موجودیت جامعه بشری را بمخاطره اندازد طبعاً به این نتیجه میرسیم که دسته‌بندیهای نظامی هم که زائیده «جنگ سرد» هستند چیزی ناپسند میباشد.
«از افکار و اندیشه‌های نهر و نقل از شماره ۵۳۸۶ ۴۰/۳/۳۰ روزنامه کیهان.»
به عقیده من تز بی‌طرفی ایران بهیچوجه من‌الوجه مفهومی نداشته و نخواهد داشت.
اگر جنگی پیش آمد کشور ما خواه‌ناخواه عرصه تهاجمات و زد و خوردهای آینده خواهد بود.
«از مصاحبه رادیویی آقای نخست وزیر نقل از شماره ۵۳۸۶ ۴۰/۳/۳۰ روزنامه کیهان.»

* * *

گویا از لحاظ جناب آقای دکتر امینی به فرض اینکه ممکن است در صورت بروز جنگ کشور ما عرصه تهاجمات و زد و خوردها گردد باید در زمان صلح نیز عرصه دسته‌بندیهای نظامی در داخل و خارج مرزهای خود، کشمکش‌های سیاسی، بی‌ثباتی، تحریک و تعدیات دولت‌های دست‌نشانده باشد.
حقیقتاً جای تعجب است که مرد هوشمندی مانند دکتر امینی در مقام ریاست وزراء بگوید اگر جنگ شد بیطرفی ما باصطلاح نقض خواهد شد. ولی به عمد یا اشتباه توجه نکنند که اولاً اگر بیطرف بودیم در زمان جنگ کمتر صدمه می‌بینیم بالعکس اگر جزء بلوکی باشیم یک دولت متخاصم شناخته شده و تا پای نابودی مورد حمله واقع میشویم. بعلاوه اصلاً چرا آقای دکتر امینی بخاطر نیاورده و از خود نمی‌پرسند ما از اعلان جنگ به کشور آلمان و انصراف از بیطرفی در جنگ دوم گذشته چه طرفی بستیم که در آینده به‌بندیم.
ثانیاً مگر چه اشکالی خواهد داشت فعلاً سیاست بیطرفی را لاقلاً برای دوران صلح اختیار کنیم و هر وقت جنگی اتفاق افتاد و مصلحت ملت ایران و مقتضیات خاص زمان جنگ (که اساساً قابل پیش‌بینی در وضع فعلی هم نیست) ایجاب نمود در سیاست خود تجدید نظر کنیم؟
چقدر مناسب خواهد بود که آقای دکتر امینی سوالات ما را لاقلاً طی مصاحبه دیگری جواب مرحمت فرمایند.
بهرحال از لحاظ نهضت آزادی ایران مسئله بیطرفی کشور ما لاقلاً برای دولت حاضر و دول غربی مسئله مهم و قابل مطالعه روز است.

نهر و پیمان سنتو

«... من همیشه از این قبیل پیمانها دوری جسته‌ام سنتو یک تغییر نام برای پیمان بغداد است که هیچ تفاوتی بوجود نیاورده - این پیمانها برای منظورهایی به وجود می‌آید که مفید نیست و برای هیچ مقصود مفیدی هم بکار نمی‌رود. سیاست ما - سیاست خودداری از پیوستگی به دسته‌بندیها و اتحادیه‌های نظامی - و سعی در توسعه دوستی با تمام کشورهاست.»

ترجمه قسمتی از مقاله تایم آمریکا مورخ ۹ ژوئن ۱۹۶۱

«... تیمور بختیار رئیس سابق سازمان امنیت که در خانواده متوسطی پا بدنیا گذاشته امروز ارزش تنها قصر اختصاصیش یک میلیون دلار است معه‌ذا آزادانه میگردد و به منوچهر اقبال که مسوول اصلی افتضاح انتخابات گذشته است اجازه داده شده که برای رفع خستگی به اروپا برود و به خانواده شاه و اعضاء دربار هم که دربار را سنگری برای پر کردن جیبها قرار داده‌اند تا کنون تعرضی نشده است...».

«نهضت آزادی ایران» توصیه می‌کند:

بجای بحث و انتقادهای بیمورد - «فکر کنید» «حس ابتکار خود را برای بررسی مشکلات عمومی بکار اندازید.» «برای تحقق خواسته‌های فکری و مرامی خود کار کنید. کار کنید. کار کنید.»

روزی که دکتر شماخت کارشناس معروف اقتصادی آلمان - بدعوت دکتر مصدق به ایران آمد پس از مطالعاتی گفت:

«اگر آحاد مردم ایران کار کنند هیچ نوع سرمایه و پشتوانه یا کمک خارجی نیازمند نخواهد بود. بزرگترین پشتوانه مالی و اقتصادی هر کشوری (فعالیت صحیح اجتماعی و اقتصادی) مردم آن کشور است.»

دوستان و هم مسلکان عزیز:

مرامنامه «نهضت» را ماده ب ماده مطالعه کنید برای اجرای آنها (فکر کنید) (کار کنید) (مطالعه کنید) (حس ابتکار خود را بکار انداخته پروژه و طرحی را که شخصا مفید و لازم میدانید تهیه نموده پیشنهاد کنید). شما برای - نیل به یک هدف بزرگ یعنی ایران آزاد و آباد و سرفراز میکوشید تعقیب این هدف متضمن مسوولیت بزرگی میباشد مسوولیتی که اجرای هر برنامه اصیل (سازنده) اقتصاد دارد. فقط انتقاد نکنید بلکه فکر کنید اگر به شما گفتند در شئون و امور مختلف عمومی و مملکتی چه باید کرد آماده یک جواب منطقی و قانع کننده باشید.